

عنوان

وزارت معارف

ریاست تعلیم و تربیه

مقالان وارده اعاده نمیشود  
اصلاح و درج حق اداره است

سرطان - ۱۳۱۵

# آئینهٔ عرفان

شرح اشراك

مرکز (۹) اتقانی [محررين عالمي] متعلمين اصناف  
داخله (۱۰) \*  
خارج (۴) كاندار [معلمين]

مجله علمی، ادبی، متون، ماهانه

دورهٔ دوم سال ششم

واحد فروش و اشتراكش ماهه ندارد

(نمرهٔ مسلسل ۷۹)

۱

## تصنيف و تالیف و ترجمه

هاشم شایق

بیوسته به گذشته

آری مترجم را با ترجمان فرق است. مترجم کسی است که ترجمهٔ خود را بنوشته و ترجمان آنکه ترجمهٔ خود را بزبان اجرا کند. دستگامی که مترجم بران مالک بوده بخرچ میدهد، ترجمان را ملزم نیست. اما اشکال ترجمه تنها از عبارت منقول عنه و منقول الیه نشئت نمیکند. اشکال دیگری نیز در ترجمه موجود است و آن عبارت از دانستن اصل علوم و فنون میباشد در هر دو زبان. این اشکال را نمیتوان تنها از مطالعهٔ کتب لغت رفع نمود. تنها طریقی که برای رفع این اشکال امکان میدهد همانا یکدورهٔ تعلیم اصطلاحی میباشد؛ ازان علم. اگرچه بطریق مقدمانی باشد. اینست که علمای روحناس گویند: انسان از روی خط همان چیز را بطور صحیح خوانده می تواند که فعلاً راجع به آن چیز در ذهن فکری داشته باشد چنانچه شخصی که از مقدمات ریاضی خبر ندارد؛ ولو کان بزبان خود يك رساله

ریاضی بدست آورده نخواند؛ نخواهد فهمید و دیگران را نیز باین خواندن و یا افاده کردن قانع نخواهد کرد. مثل معلمیکه بکنه موضوع نرسیده باشد؛ شاگردان رشید را قانع کرده نمیتواند. دستور اینکه در تدریس از معلوم بمجهول باید رفت؛ از همین نکته روحی نشئت کرده.

فضلائی سلف نیز این نکته را احس نموده و ترجمه را یکی از صنایع بدیع شمرده درین باب فصلی در کتب خود تخصیص داده اند. از آن جمله صاحب حدایق السحر رشید و طواط باخشی کاتب و ادیب قرن ششم هجری؛ ترجمه را چنین تعریف کند: «این صنعت چنان باشد که شاعر معنی یک بیت تازی را پارسی نظم کند. یا پارسی را بتازی؛ درین موقع یک شعر ناصر خسرو را از فارسی به عربی و یک شعر قاضی یحیی را از عربی بفارسی عیناً ترجمه نموده. موصوف در باب ترجمه مهارتی را که بکار برده عجلاله نمیتوانیم شرح بدهیم. چونکه مثالهای متعدد و تحلیل های متنوعی بکار ست که ذکر آن در اینجا گنجایش ندارد اما این نکته را در اینجا باید تصریح بکنیم که فضلائی سلف در ترجمه خصوصیت اصلی را که نظم باشد شرط نموده اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علاوه بر فوائدیکه از ترجمه برای جامعه حاصل می شود برای شخص مترجم نیز فائده زیادی حاصل خواهد؛ شد یعنی همانقدر که ترجمه بر ثروت علوم و فنون یک زبان می افزاید و مترجم که از خادمان جمعیت شمرده می شود برای مترجم نیز فائده های مادی و معنوی زیادی دارد.

۱- ترجمه ملکه دقت را تربیت کند،

- ۲ - ممارسه تفکر را بر هر دو زبان برای مترجم تأمین نماید ،
  - ۳ - معانی که مولف در نظر دارد و سبب توجه و انتباه در آن به مترجم نیز حاصل شود ،
  - ۴ - محیط علمی مترجم باندازه مندرجات آن اتروسعت پیدا کند ،
  - ۵ - هر دو زبان را بمقابله و مقایسه خوبتر بیاموزد ،
  - ۶ - قواعد هر دو زبان را مقایسه کرده دماغ مترجم منطقی ، فلسفی و علمی بشود ،
  - ۷ - اصطلاحات هر دو زبان را دریافته ثروت و قیمت علمی و ادبی حاصل کند ،
  - ۸ - در تعیین خصوصیت هر دو زبان از روی تشبیه استعار ، کنایه و محاوره و امثال ماهر شود ،
  - ۹ - بالاخره طریق ترکیب فکرها و تدوین خیالات را کم کم آموخته شخص مترجم مولف بشود . لذا در آخر هر مترجم حاشیه نویسی و مولف گردد .
- خلاصه مترجم یعنی صحیح دارای فضایل فوق بوده و یادر ضمن اشتغال بترجمه اینهمه فوائد را حاصل خواهد کرد .
- مساعده کنید که اکنون راجع بدرجات و اقسام تالیف جهت زیادت و قوف قدری بسط بدیم :
- درجه اول تالیف را (اختراع (۱)) اشغال کند . این کیفیت چنان است که مولف چیزی نوشته کند که کسی درین زمینه بر او پیش دستی نکرده باشد . یعنی از قریحه و ذکای خود مولف همین شکل و ماده بوجود آمده باشد ؛ آزا اختراع گویند .
- 
- (۱) اختراع نیز در اصطلاح ادبای سابق صنعتی است که شاعر شعری انشاد و انشا کند که مرکب از معانی و الفاظ تازه باشد .



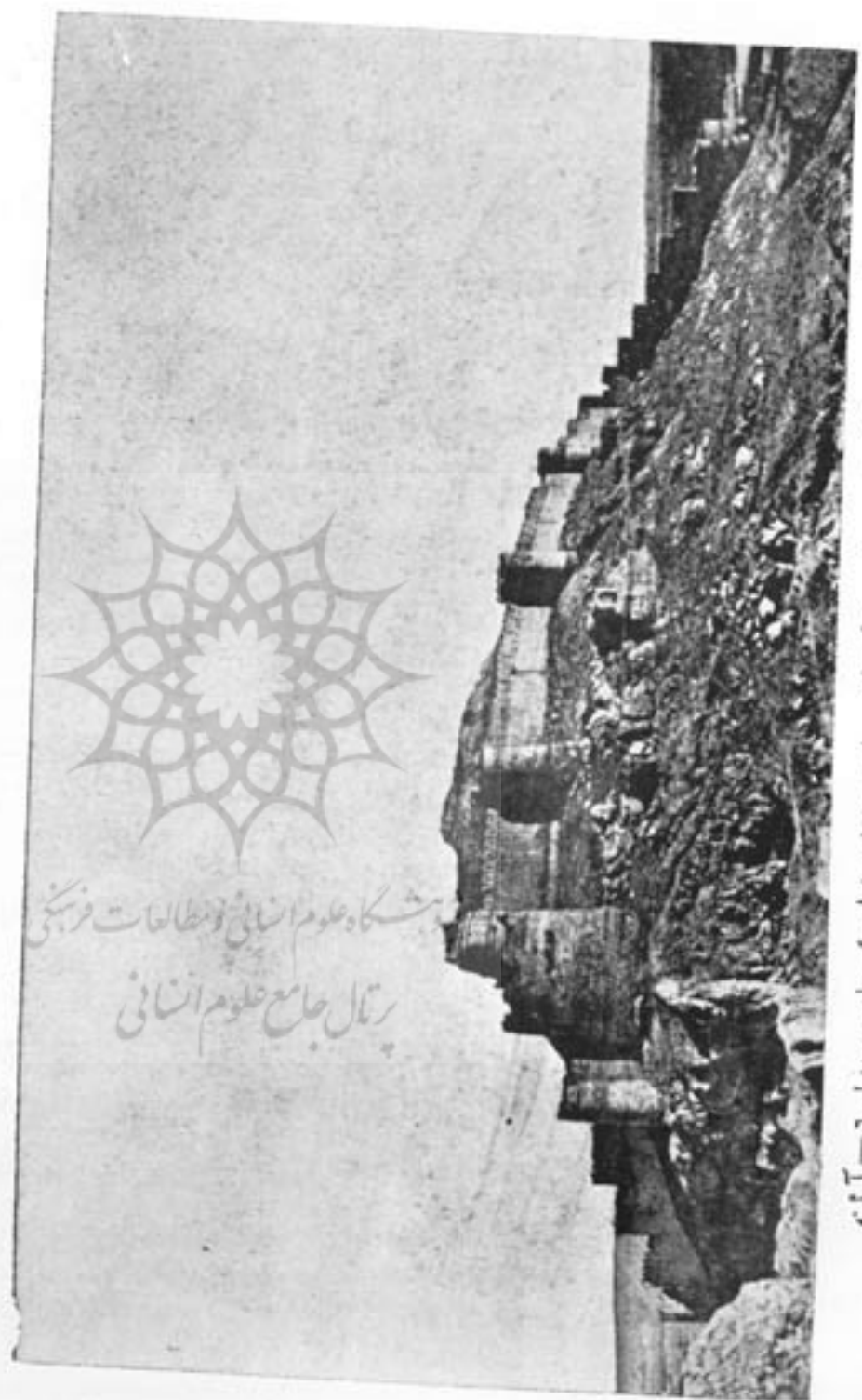
بعد از آن درجه (تمه و تکمله) است، این تالیف چنان است که مولف يك اثر ناقص را از حیث همین موضوع که مولف اول ناقص و یا بد را بت خواننده گان و یا خود استاد نموده با بحال گذاشته است تکمیل و تمهیم نماید، اینچنین تالیف را (تمه و تکمله) گویند.

بعد از این درجه (اختصار) است. اختصار طوری که از ماده کلمه معلوم میشود اصل اثر باشوهد و امثال و یا تطویل بلا طائل ساخته شده ولی مولف ثانی بدون اینکه در اصل مطالب خالی واقع شود (اختصار) مینماید، و بعبارت دیگر بمنطوق خدمت ما صفادع ما کدر، و یا گله بکن سره بکن، عمل میکنند.

سپس موقع (جمع) است و این چنان است که مسائل در اصل يك اثر بطور متشتت و یا مطالب يك موضوع در کتابهای متعدد، متفرق میباشد و در هنگام مطالعه اسباب تشتت فکر میگردد و یا خواننده را بجمع آن مسائل مجبور بصرف وقت زیاد میسازد. پس مولف مسائل پراکنده را یکجا جمع کرده شکل دلچسپی میدهد و اثر خود را کتاب جامعی میگرداند.

دیگر (ترتیب) است. عمل این تالیف چنین است که یک دسته مسائل متجانس بایک دسته مسائل غیر متجانس مخلوط و یا مطابق اصول تصنیف علمی نمیشود. لهذا مولف میخواهد که وجه مشترك یافته مسائل غیر متجانس و مخلوط را جدا نموده با انتظام مخصوصی که اصول تصنیف علمی تقاضا میکند ترتیب بدهد.

درجه دیگر را (اصلاح) خوانند. این تالیف چنین است که اصل اثر خطا آلوده ظاهر می شود. لهذا مولف خطاهای آنرا (اصلاح) می نماید. این عمل



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

تیره ز سر در کابل معروف به تیره بالا حصار - متعلق شماره چهارم سال ۶ - آلبوم



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بتعبیر دیگر ( تصحیح ) کتاب شمرده می شود (۱)

علاوه بر اینها يك رقم دیگر تألیف است که آنرا باصطلاح مولفین ( شرح ) نامند . کیفیت چنین تألیف اینست که در اصل متن پیچیدگی های زیادی موجود است که هر خواننده به مشکل آنرا حل کند . لہذا مولف ثانی جهت رفع ابهام شرح میکند . مولف اول را ( ماتن ) و دوم را ( شارح ) خوانند و اثر سابق را متن و اثر ثانی را شرح نامند .

همچنین يك قسم دیگر تألیف است که آنرا حاشیه گویند عمل تحشیه چنان باشد که شرح از نقطه نظر شارح واضح بوده ولی بنا بر تفاوت عقول در نزد محشی و مطالعه کننده مبہم است . ازینر و شرح سابق را شرح کند و این بر سه قسم است : یکی آنکه اغلاق شارح را شرح نمایند و دیگر آنکه اغلاق ماتن و شارح را شرح دهند و سوم آنکه حاشیہ دیگری بر شرح بنهند که در هنگام مطالعه این کتاب ، محتاج کتاب دیگری نشوند . آنوقت چنین تألیف را شرح الشرح و یا حاشیه الحواشی گویند .

کذا يك رقم تألیف باشد که آنرا ( تعلیق ) گویند . تعلیق چنان باشد که راجع به بعضی قسمت ( مثل محشی ) کتاب بچیز دیگری و بدون توالی ایضاحاتی علاوه نمایند ؛ مثل اینکه در حاشیه و کنار های بعضی از کتب راجع بلفظ یا اسم اعلام ، قبیله ، مکان و یاسنه یاد داشتی بطریق ایضاح بنویسند ، چنانچه بعضی از مولفین معاصر در حاشیہ تختانی و یاجنہی و فوقانی کتاب باشاره نمره خاطرات و با تصحیحات خود را یا اقتباس از اثر فاضل عیناً الحاق بنمایند و یا در ختام کتاب لاحق سازند . فرهنگ لغات و

(۱) در جات و اقسام فوق مطابق کشف الظنون حاجی خلیفه بود که فدری شرح داده شد .



حواشی بعضی از کتابها که بقلم فضلی سابق و لاحق دیده می شود بر همین اساس بوده است .

علاوه برین جر جی زیدان راجع بموضوع ، اسلوب و مقصد تألیف معاصرین در مقدمه جلد دوم تاریخ ادب اللغة العربیه خود چنین گوید :  
 « اما نویسندہ عمومی که خادم مات و مرشد امت است در طریق مصلحت ملت بایستی جهد زیاد بخرج داده بشرائط ذیل رعایت بنماید ،  
 اول موضوعی را انتخاب کند که جامعه محتاج آن باشد .

دوم آنکه تألیف خود را باسلوبی در آورد که اثر برکس برسد و هرکس بر آن اثر .  
 یعنی آفاده آن واضح و نسخه آن متعدد باشد .

سوم آنکه توجه خاصی بکار برد که صراحت بیان و وضوح فکر بطبقه مخصوص متوجه نباشد .  
 عبدالله خان درین اثنا پیاله چای را نزد کمال خان مانده پرسید که صاحب همین کلمه ترجمه در اصل عربی است یا فارسی ؟ علاوه برین بفتح اول و ضم سوم درست است و یا بفتح اول و سوم ؟ کمال خان چای را بدست گرفته تشکر کرد و گفت :  
 راستی درینجا راجع باصل کلمه ترجمه قدری صحبت بکنیم :

ترجمه اصلاً از فارسی ماخوذ شده . <sup>جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</sup> <sup>پایه نظری</sup> که ترجمان معرب تر زبان و یا ترزان است که بمعنی خوش زبان و چرب زبان و حاضر جواب بوده بالاخره بمعنی ناقل لسان آمده در دور اول و دوم عباسیان که دور نقل علوم اجانب است ماخذ ترجمه قرار یافته ترجم ،  
 بترجم ترجمه را ازان اخذ و اشتقاق نموده اند . ترجمه حال ، سوانح عمر ، بیان سیرت و منقبت و تاریخ حال يك شخص نیز از همین معنی گرفته شده ترجمانی کردن بمعنی واسطه



نقل فکری گردیدن نیز آمده و اینکه مترجم را بتشدید جیم از باب تفعل می‌انگارند، اصلی ندارد. چه، چنین کلمه در عربی موجود نیست آری (رجم) در عربی سنگ انداختن دشنام دادن، دور کردن و غیره آمده. کذا سنگ نهادن در قبر برای نشانی نیز به همین لفظ ادا شود. همچنین بمعنی «بگمان حرف زدن» نیز استعمال شده هکذا کلمه ترجمیم عیناً بمعنی اخیر است که (بگمان حرف زدن) باشد چنانچه گویند: «فلانی رجماً بالغیب حرف میزند» مراد از آن بی‌اندیشه و بدون وقوف حرف زدن است و سخن مرجم، سخن نامعلوم و بی‌اساس را گویند.

کلمه (مترجم) بدون شده و کلمه (ترجمه) بفتح اول و سوم طوری در زبان فارسی جای گرفته که فارسی‌زبانان نیز در موقع فکر دیگری را بر زبان آوردن و یا فکری را از لغتی بلغتی گردانیدن استعمال نمایند. لیکن طوری که عرب‌ها با داشتن کلمه (نقل) در مقابل ترجمه از استعمال این کلمه صرف نظر نمایند فارسیان نیز همین کلمه معمول و مستعرب را در تحریر و تقریر خود هر وقت استعمال کنند.

باقی دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

